

آینه

اطلاعات

آقای یزدی؛ چرا چهار سال سکوت کرده بودید؟

● **محمد جواد حجتی کرمانی؛** سؤال نخست بنده از آقای یزدی این است که: چگونه شورای نگهبان به مدت چهار سال در مورد عضویت به‌زم آقای یزدی غیرقانونی و غیرشرعی سپنتا نیکنام – عضو زرتشتی شورای اسلامی شهر یزد– سکوت کرده بود؟ می‌دانید یا نمی‌دانید که ایشان چهار سال گذشته عضو شورای شهر یزد بود. این سکوت به چه دلیل است؟ اگر اشتباه کرده‌اید، پس ممکن است حالا هم اشتباه کرده باشید.
و اگر آن سکوت صحیح بوده، پس این «مصوبه!!» غلط است. آقای یزدی ادعا کرده است که تصمیم «فقه‌ای» شورای نگهبان قانونی، شرعی، قطعی و غیرقابل تغییر است. ایشان برگرداندن مصوبه شورای همین‌جا بلامتسل و تحت‌تأثیر حالت منق‌ای که نسبت به این گفته دارم، با صدای بلند می‌گویم که خدا و پیغمبر(ص) هم در مورد احکام قطعی و مسلم مثلاً نماز و روزه و حج هم چنین لحن قطعی و برگشت‌ناپذیری ندارند! ... آقای یزدی قاعداً احکام «اولیه» و «ثانویه» را خوانده یا شنیده‌اند، تازه، مگر ما «مجمع تشخیص مصلحت» نداریم؟ همین مصوبه مورد بحث می‌تواند در مجمع تشخیص مصلحت «به حکم مصلحت» و به‌عنوان ثانوی لغو شود. آقای یزدی عادت دارند فقط و فقط به مصوبه‌ای که بگویند، و خیال کند کارشناس فوق‌تخصص شرع و قانون‌اند. آقای یزدی! اگر رهبر انقلاب طبق تشخیص خود، و برحسب قانون با «حکم حکومتی» حرف‌های شما را نقض کرد، باز هم «مصوبه» تدویتی شما قابل برگشت نیست؟ چرا شعری می‌گویید که به‌وضوح در قافیه آن گیر کرده‌اید؟ و از این بیشتر بگر خواهید کرد. یک سؤال دارم: ممکن است یک مصوبه‌ای در مجلس با اکثریت یک رأی نماینده‌ای از زرتشتیان، کلیسایان یا مسیحیان به تصویب برسد و قانونی شود، آیا شما –آقای یزدی– هیچ‌گاه فکر کرده‌اید که در شورای نگهبان چنین مصوبه‌ای را به خاطر یک فرد مسیحی یا زرتشتی یا کلیهی، خلاف شرع بدانید؟ آیا جرئت می‌کنید بگویید آری، این خلاف شرع است و باید رد شود؟ چراکه از باب «نفی سیل» و «نفی نفی» «سلطه» غیرمسلمان که در اینجا رأی یک نفر غیرمسلمان است، خلاف شرع است؟ صریحاً پاسخ دهید: در این فرض حکم چیست؟ این همان قافیه است که شما قطعاً در آن گیر می‌کنید... عضو شورای شهر، «وکیل» مردم است، شما اگر این «موضوع» را قبول داشته باشید، دیگر حکم نمی‌کنید مسلمان را قبول نداشته باشید، یک نفر مسلمان را وکیل کند... کدام فقیه چنین فتوایی داده است؟ بفرمایید! ... آقای یزدی! بدانید من در این نوشته تنها نیستم. خود را از حصار افکار تدویتی نجات دهید «و نا لکم ناصح امین».

انتقد

صفر تا صد حصر با شورای عالی امنیت ملی است

● **الیاس حضرتی؛** ... پیگیری و حل این مسئله احصراً، یک مرجع بیشتر ندارد و آن هم شورای عالی امنیت ملی است و صفر تا صد آن برعهده این نهاد ملی قرار دارد. به‌عنوان یک نماینده مردم که تا حدی از وجوه تصمیم‌گیری در نهادهای کشور آگاهی دارم، معتقدم که مانور تبلیغاتی در این زمینه، اقدام درستی نیست. درواقع افکار عمومی باید اطمینان‌خاطر داشته باشد که تبلیغاتی‌شدن ماجرای حصر آن هم از رهگذر رسانه‌ها، نمی‌تواند گره‌ای از کار بگشاید. باید توجه داشت که دلسوزان کشور با سعه‌صدر، دقت نظر و درک درست از وقایع نسبت به هر مسئله مهم ملی از جمله موضوع حصر نگاه می‌کنند و تصمیمات مقتضی را اتخاذ می‌کنند. تا آنجایی که در جریانم شورای‌عالی امنیت ملی صرفاً با تدابیر خودش و مصلحت‌سنجی‌ای که دارد بدون تأثیرپذیری از موضع‌گیری‌ها و اظهارنظر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و اشخاص و افراد و همچنین رسانه‌ها در مورد له یا علیه این موضوع تصمیم می‌گیرد.

تجدول علوم انسانی با همایش از اغمای ۶ ساله خارج نمی‌شود

● گروهی معتقدند مسائل موجود در جامعه، صنعت و... را غرب مطرح می‌کند و خودش در کلاس‌ها و دانشگاه‌هایی که به شیوه خود در کشورهایی مانند کشور ما تأسیس کرده‌اند پاسخ آنها را ارائه می‌کنند. در نتیجه مسائل در لایه‌های جامعه جاکیر و به آسیب اجتماعی تبدیل می‌شوند، اما پاسخ‌ها برای درمان به کار نمی‌آیند. در مقابل دانشگاه‌ها در برابر این طرح منفعل عمل می‌کنند و در نتیجه جامعه‌ای پرتسرباپ را رقم می‌زنند. گسترش آسیب‌های اجتماعی، مدیریت‌های کم‌بازده، قوانین کهنه جزایی و حقوقی از جمله قفل‌های اجتماعی هستند که می‌توانستند کلیدی در دانشگاه‌ها داشته باشند، اما کلیدهای موجود در دانشگاه‌ها مناسب قفل‌های دیگری ساخته شده‌اند. تشکیل شورای تحول علوم انسانی رفح این نقیصه را پیگیری می‌کرد، اما چند عامل باعث شد شدت فعالیت آنها در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ فروکش کند. فعالیت سیاسی و اجتماعی اعضای این شورا، چندهشله‌بودن آنها و مقاومت دانشگاهیان در برابر متون و منابع بازنگری‌شده از جمله این عوامل هستند.

politics@sharghdaily.ir

● **آقای عبدی** پیشنهادهای متعددی به دولت اقلیم

کردستان داده شد تا با صرف‌نظرکردن از برگزاری همه‌پرسی امتیازاتی برای اقلیم به‌دست آورد اما تمام این پیشنهادها رد شد. اصرار مسعود بارزانی به برگزاری همه‌پرسی از چه منطقی پیروی می‌کرد؟ استراتژی او چه بود؟

اول این را بگویم که حوزه تخصصی من نیست که بخوام درباره جزئیات آنچه در اقلیم کردستان گذشته اظهارنظرکنم و بیشتر درباره مفهوم کلسی این قضیه اظهارنظر خواهم کرد. از ابتدا به‌نظر می‌آمد که این اتفاق بیشتر از آنکه صادقانه به یکی از خواسته‌های کردها معطوف باشد، به‌نوعی در جهت حل یک سوبه اختلافات داخلی بارزانی‌ها با بقیه معطوف بود. بارزانی‌ها یک‌سری مشکلاتی داشتند که خواستند از این طریق آنها را پوشش دهند. تمام مشکلات بعدی هم که پیش آمد محصول همین قضیه است. یعنی همان سیاست «راه بینداز و جا بینداز». استقلال‌طلبی یک مطالبه جدی و تاریخی بین کردها است، اما کار سیاستمدار این نیست که روی امواج چنین خواستنی سوار شود و به هر جایی برود. کار سیاست‌مدار از اینجا شروع می‌شود که چطور این خواست را راهبری کند و به نتیجه برساند. سیاست‌مدار نمی‌تواند بگوید من به‌دلیل پیگیری کردن آرمان مردم، بی‌گناه هستم. آرمان‌ها که خیلی چیز پیچیده‌ای نیستند. وظیفه او این است که اگر دنبال آن آرمان است به نحوی عمل کند که به نتیجه برسد، نه اینکه آنجا را تسخیر کند و بعد از یکی، دو ماه عقب‌نشینی کند و کل کشورش را هم از دست بدهد. آقای بارزانی اصلاً به این نکته توجه نمی‌کند و می‌گوید به من خیانت کرده‌اند. اصلاً فرض کنیم که «خیانت» کرده‌اند، پس کار تو این وسط چیست؟! یک سیاست‌مدار باید متوجه خیانت‌هایی که می‌خواهد به او بشود، باشد؛ نه اینکه بعد از آنکه شکست خورد بگوید که به من خیانت شد. البته فقط فرض کردیم که خیانت شده، وگرنه طرف‌های دیگر که این حرف را قبول ندارند. مسئله این است که آن‌حوزه حمایت احزاب کرد از سیاست بارزانی نتیجه‌اش این می‌شود که در برخورد با اولین مانع، اتحادشان از دست می‌رود. مشکل بارزانی این بود که نه مبتنی بر قانون عمل کرد– چون اگر می‌خواست مبتنی بر قانون عمل کند هیچ رفاندوم استقلال‌طلبانه‌ای نمی‌تواند یک طرفه انجام شود– و نه از موضع قدرت عمل کرد. او قدرت کافی برای تحقق این هدف را نداشت. اگر این‌قدر قدرت اوزیاد بود که می‌توانست رفراندوم را یک‌طرفه برگزار کند و همه هم مجبور شوند نتیجه را بپذیرند، در این صورت اقدامش به‌لحاظ سیاسی درست بود. اما او قدرتش را نداشت، به‌همین‌دلیل در اولین حمله نیروهای عراقی، کرکوک و نقاط دیگر را از دست داد. از طرف دیگر، اقدام او مبتنی بر قانون هم نبود تا کشورهای همسایه و جهان با افکار عمومی بگویند این کار برخلاف قانون انجام گرفته است و از او حمایت کنند. به‌همین‌خاطر احتمال اول این است که بارزانی درک درستی از نتایج این عمل نداشت. اما یک احتمال دیگر هم وجود دارد و آن اینکه همه این پیامدها را حدس می‌رد یا احتمال قوی بر وقوع آنها می‌داد اما برای او مسئله‌ای نبود و فووش می‌گفت شکست می‌خورم. می‌گفت بگذار من در فرایند دفاع از آرمان کردستان شکست بخورم...

● **در هر صورت این پروژه شکست خورد، با توجه به حرف‌های شما یا باید بگویم که بارزانی درک درستی از مسائل نداشته یا می‌خواسته روی مشکلات خود سایه بیندازد و به نوعی در ذهن مردم ماندگار شود، اما آیا به‌نظر شما این اتفاق رخ خواهد داد؟ آیا بارزانی توانست با پررنگکردن بحث استقلال اقلیم جایگاهی برای خود درست کند؟**

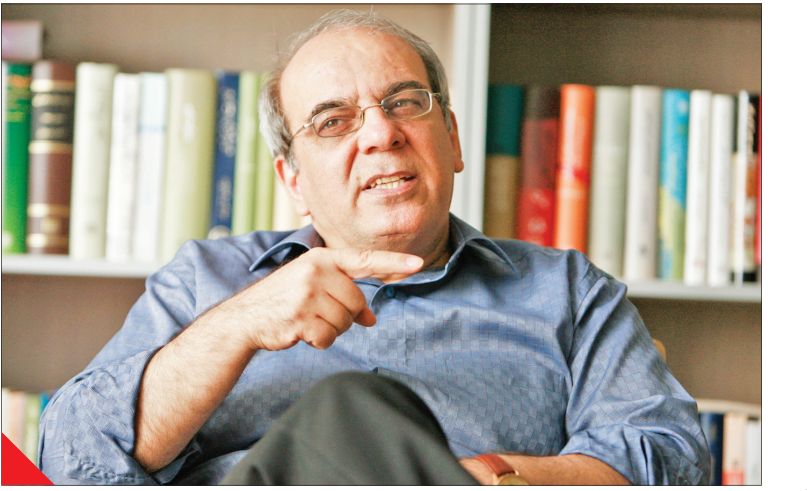
ما که نمی‌دانیم در آینده چه خواهد شد اما واقعیت این است که او این قضیه را طرح و رفراندوم را برگزار کرد و همیشه می‌تواند مدعی این موضوع باشد. اما نمی‌توان حدس قطعی زد که در عمل چه اتفاقی خواهد افتاد. بخشی از این ماجراها هم به رفتار دیگر احزاب کرد و حتی دولت عراق بازمی‌گردد؛ اگر دولت عراق کردها را تحریک نکند و رفتار مناسبی داشته باشد، احتمالاً آقای بارزانی در هر شرایطی بازنده خواهد شد. اما واقعیت این است این پروژه باعث به‌تاخیرآفادان توسعه اقلیم کردستان شد. الان اقلیم بخشی از درآمدهای نفتی خود را از دست داده و اگر دولت عراق حقوق کارمندان اقلیم را هم نپردازد، فشار عظیمی بر آنان وارد خواهد شد. از سوی دیگر این مسئله باعث به‌وجودآمدن ناامنی در اقلیم شد و اعتماد عراق، ایران و ترکیه به مدیریت اقلیم از دست رفت و سرمایه‌گذاری‌ها هم کم خواهد شد. ضمن اینکه بین حزب موجود هم فاصله زیاد خواهد شد. مشکل اساسی آقای بارزانی این است که سیاست را با قمار و ریسک قاطی کرده است. در سیاست خیلی نباید اقدامات ریسکی انجام داد. در رفتارهای فردی و اقتصاد، افراد می‌توانند ریسک کنند. شما می‌توانید ریسک کنید؛ در نهایت ورشکست می‌شوید، عیبی ندارد. برون چوای خودتان تصمیم می‌گیرید، بعد سبقت می‌زنید متوجه شخص خودتان است. اما در سیاست ریسک‌کردن از جیب دیگران هزینه‌کردن است. من وقتی می‌توانم ریسک کنم که هزینه‌اش را هم تماماً خودم بدهم، اما یک سیاست‌مدار حق ندارد منافع ملتش را به ریسک بگذارد. نکته بسیار مهم در این‌گونه مسائل این است که مشارکت همه باید جلب شود. اگر مشارکت گروه‌های ذی‌نفع در تصمیم‌ها جلب نشود و تصمیمات از طریق فشار بیش برونند، زمانی که با اولین مانع برخورد می‌کنند، تمام آن نیروها پس می‌زنند و کنار می‌روند. به‌همین‌خاطر است که می‌بینید نیروهای «اتحادیه میهنی» می‌گویند اشتباه کردیم و ما اصلاً از اول به این کار اعتقادی نداشتیم. حتی در خود بارزانی‌ها هم می‌توان این حرف‌ها را شنید.

● **به نظر شما دولت عراق و دولت‌های همسایه چه**

سیاست

عباس عبدی مسئله حقوق اقلیت‌ها را با نگاهی به همه‌پرسی اقلیم تحلیل کرد

حق یا قدرت تعیین سرنوشت



عباس عبدی، مدیرعامل موسسه مطالعات و پژوهش‌های منطقه‌ای

حسین جلالی

در ابتدای مصاحبه تأکید می‌کند بحث درخصوص وقایع اقلیم کردستان در حوزه تخصصی او نیست و بیشتر به «مفاهیم کلی» درباره این قضیه توجه دارد. عباس عبدی با شرح زمینه و بستری که همه‌پرسی در آن رخ داد سه احتمال را درخصوص «اصرار» اقلیم به برگزاری همه‌پرسی مطرح می‌کند: نبود درک درست، حرکت استشهاده‌ی و بازی کشورهای منطقه. او در ادامه با توجه به واکنش‌های بعضی از اقلیت‌های قومی در داخل کشور نسبت به همه‌پرسی استقلال کردستان، وارد موضوع اقلیت‌ها و مرزهای حقوقی کشورها شد. عبدی مانند مابقی تحلیل‌های خود این موضوع را نیز با هزینه‌فایده واکاوی کرد. او زندگی ملت‌ها را در مرزهای موجود «آسوده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع زندگی» می‌داند. این تحلیلگر اصلاح‌طلب تنها راه دفاع از کشور را حرکت هرچه بیشتر به سمت «دولت-ملت» می‌داند.
م‌شروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

واکنشی داشته‌اند و خواهند داشت؟ آیا شکاف‌های قومی تشدید خواهند شد؟

فکر نمی‌کنم این موضوع سبب افزایش شکاف قومی شود. حس من این است که احتمال سومی برای رفتار بارزانی قابل تصور است و آن اینکه بارزانی را به درون این پروژه کشانند تا او را حذف کنند و مسئله کرد و عرب نیست...

چه کسانی؟

همسایگان. کشورهای منطقه با این کار اساساً پروژه استقلال‌خواهی را پیش از رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت، سوزانده‌اند. همان‌طور که فتنم شما وقتی می‌خواهید مسیر استقلال را بروید، با باید از مسیر قانونی بروید، مثل اسکاتلند یا باید قدرتش را داشته باشید. اگر قدرتش را نداشته باشید که نمی‌شود. قدرت چیست؟ یکی اتحاد داخلی است که [بارزانی] نداشت و نشانه‌اش هم این است که می‌بینیم همه گروه‌ها علیه او حرف می‌زنند. یکی داشتن نیروی نظامی است که ظاهر از این نظر فقیر بودند. یکی داشتن هم‌پیمان خارجی است؛ با اسرائیل که نمی‌توان در دنیا در برلین غربی ا طرف‌تور با ایران، ترکیه، عراق و سوریه گرفته‌اند، کاری کنید. یکی هم‌پیمان‌های بین‌المللی است که حتی یک کشور هم از آنها حمایت نکرد. یکی دیگر قدرت اقتصادی است که وقتی در منطقه‌ای قرار داری که اطراف‌ا را بسته‌اند و به‌شدت به واردات و صادرات وابسته هستی، معلوم است که نمی‌توانی کاری کنی. نمی‌توانی مقاومت کنی؛ تنها مقاومت این‌گونه در دنیا در برلین غربی ا در زمان جنگ سرد) بود. آن هم روزی چند ده هواپیمای سی ۱۳۰ آمریکایی بر سر برلین جنس می‌ریختند تا یکی، دو میلیون نفر آدم آنجا زنده بمانند وگرنه آن مقاومت هم شکست می‌خورد. بنابراین بارزانی نه قانونی رفتار کرد و نه بر پایه قدرت. پس چه می‌تواند باشد؟ یا همان که فتنم و او انتخابی عمل کرده است که چه زنده بماند و چه کشته شود، پیروز شود. احتمال سوم این است که از طرف کشورهای همسایه و شاید حتی دولت عراق فریب خورده و ذهنیتش این‌طور بوده که اینها هیچ اقدامی نمی‌کنند و همین‌طور مشمول مرور زمان می‌شوند و جلو می‌روند و با خود فکر کرده است که با کمی مقاومت همه چیز حل می‌شود.

● **پروژه استقلال‌خواهی اقلیم چقدر محتمل بود که همسایگان بخواهند برای آن هزینه‌ای بکنند و آن را به‌کما ببرند؟**

همسایگان که هزینه‌ای ندادند. وقتی شما یک میوه کال را بکنید، بی‌ارزشش کردید. تنها امید کرده‌ای این بود که در کردستان عراق به جایی برسند که آن هم عسلاً شکست خورده است؛ بنابراین بهترین کار برای کسی که با این مسئله مخالف است، همین بود؛ که این میوه را کال بچیند. ببینید پایه سیاست قدرت است. هیچ چیز دیگری در میان نیست. شما برای هر اقدام سیاسی به‌ویژه در امور خارجی باید انواع مؤلفه‌های قدرت را لحاظ کنید؛ متحد خارجی، قدرت نظامی، تشکیلات سیاسی داخلی و... را باید لحاظ کنید. بارزانی هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها را لحاظ نکرده است و بعد انتظار داشت که ایران و ترکیه از او حمایت کنند. معلوم است که این نوعی تلاطم سیاسی است. تو داری کاری را انجام می‌دهی که در آن باید فرض را بر مخالفت دیگران به اشد وضع بگذاری. وقتی جلو می‌روید باید خواستار به پشت سرزدن آن هم باشید؛ بنابراین این تصمیم از اول یک تصمیم مسئله‌دار بود.

● **فرض کنیم که اقلیم قدرت کافی را برای مستقل‌شدن داشت، آیا می‌توانست به یک «کشور» تبدیل شود؟ شاخه‌های لازم را برای این کار داشت؟**

شاید اگر به مسئله دیگری بپردازیم، جواب این سؤال هم مشخص شود. کلاً مبارزات در کردستان به صورت تاریخی مبتنی بر این خواست بوده است. وقتی مبارزات مبتنی بر این خواست باشد، دیگر کسی این سؤال شما را طرح نمی‌کند. چرا؟ چون اگر کمی این مناطق دموکراتیک بشود، آن موقع رهبران دنباله‌رو این خواست می‌شوند، حتی اگر شرایط آن را نداشته باشند. انگلستان در ایرلند چقدر هزینه داد و آخر هم ایرلند جا شد؛ اما در

نیست. فکر می‌کنم خیلی از نیروها زود وارد این قضیه شدند. نباید با این سرعت وارد موضع‌گیری حاد در این مسئله می‌شدند. قرار نیست که هر اتفاقی که الان رخ می‌دهد، من و شما همین الان موضعی در قبال آن اتخاذ کنیم.

● **نظر شما درباره موضوع‌گیری‌های روشنفکران داخلی درخصوص مسئله کردستان چیست؟**

هرچند همه را ندیدم و همه هم یکسان نبودند ولی به نظرم مسئله اصلی این است که در این ماجرا برخی از روشنفکران ما دقیق صحبت نکردند. اینکه بگویم فلان ج‌زه، ایران است و از این حرف‌ها، اصلاً درست نیست. بنده این ایرانی را که آنها از آن صحبت می‌کنند، اصلاً نمی‌دانم که چیست. اگر این‌طور است که باید بگویم هرات هم جزئی از ایران است. جور دیگری به قضیه نگاه می‌کنم؛ می‌گویم واقعیتی که وجود دارد، همین یک‌میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومترمربعی است که هست. یک نفر این طرف مرز خانه دارد و دیگری آن طرف مرز، به لحاظ انسانی این‌دو نفر فرقی نمی‌کنند اما یکی تابعیت ایران را و یکی تابعیت جای دیگری را دارد. این را باید حفظ کنیم. هرکسی باید طرفدار حفظ آن باشد. چطور حفظ کنیم؟ باید دولت-ملت بشویم. یعنی هرقدر به هم نزدیک‌تر بشویم و حقوق برابرتری پیدا کنیم، نابرابری اعم از سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی کم می‌شود به اندازه‌ای که گرایش گریز از مرکز ارزش نداشته باشد. نه ارزش فرهنگی داشته باشد و نه ارزش اقتصادی.

● **یعنی توجیه نداشته باشد؟**

بله، توجیه نداشته باشد. برای بیشتر مردم منفعتی نداشته باشد. حالا اگر شما تبعیض‌ها را زیاد کنید و هر زمان بخواهید اقلیت‌ها را هم حفظ کنید، خب باید این کار را بکنید ولی این‌کار آخر و عاقبتی ندارد. در نهایت ج‌داشدن توجیه پیدا می‌کند و آدم‌ها مسیر دیگری خواهند رفت. مسئله اصلی این نیست که بگویم این جزء ایران است و آن یکی نیست. چراکه شاید در ایران هم جایی را پیدا بکنید که خیلی به فرهنگ ایرانی‌ها نخورد. اگر از زاویه فرهنگی نگاه کنید، آن موقع باید بگویید اینها باید از ایران جدا شوند اما من می‌گویم این‌طور نگاه نمی‌کنم؛ به دلایلی که ما در آن دخالتی نداشته‌ایم، مرزها این‌طوری شده‌اند و نه اجازه می‌دهیم کسی به مرزهایمان تجاوز کند و نه به‌دنبال گرفتن مرز کسی می‌رویم. این کم‌هزینه‌ترین و بر ضررترین نوع زندگی است که می‌توانیم داشته باشیم. امروز اگر باید به این به‌عنوان یک هویت نگاه کنیم، بنیاد سیاست گزاره‌های حق و باطل نیست. ضمن اینکه تاریخ را به‌راحتی می‌توان هر طوری خواند. اما ما اصلاً نمی‌خواهیم با تاریخ سروکله بزنیم. باید همین را حفظ کنیم و کاری نداریم که حالا چند ده‌هزار و بیشتر فارس در هرات هستند یا بالعکس. آنها یک کشور دیگر هستند و ما نمی‌توانیم درباره آنها حرفی داشته باشیم. ما باید با اقوام درست رفتار کنیم تا ایرانی‌بودن برای همه مقرون‌به‌صرفه باشد (از هر نظر). البته همین که می‌گویم با اقوام درست رفتار کنیم، غلط است باید گفت همه ایرانی هستیم و ایران کشور متناح همه است؛ بدون تبعیض. به‌نظر من این تنها راه دفاع از ایران است. نه اینکه بگویم آذری‌ها یا کردها چه هستند و چه نیستند. خیلی از افرادی که از ملی‌گرایی ایرانی دفاع می‌کنند، آذری هستند؛ از کسروی بگیر تا ملکی و غیره، اما یک چیزی را توجه کنید؛ اولین گنگره حزب توده که تشکیل شد، دو زنانه بود. برای اینکه نمایندگان آذری آنان فارسی به‌د نبودند اما این حس را نداشتند که از دو کشور آذربایجان هستند. امروز اگر کنگره‌ای برای ایران (حتی اگر از همه ایران هم در آن جمع شوند)، نیازی به زبان دوم وجود ندارد؛ زیرا همه فارسی بلد هستند، اما با این وجود حس تبعیض می‌تواند به وجود بیاید. نباید فکر کنیم که با یکدست‌سازی زبان و فرهنگ می‌توانیم این مسئله را حل کنیم. البته این را هم بگویم که در جایی مانند آذربایجان این‌گونه گرایش‌ها بیشتر در بخشی از آنان وجود دارد که مواضع روشنفکری دارند. روشنفکران فارس که نمی‌توانند گرایش تجزیه‌طلبی داشته باشند؛ اما بازتاب همان مؤلفه‌ها مؤثر بر نارضایتی روشنفکران فارس و اقوام نزدیک به فارس در روشنفکران دیگر اقوام به صورت جدایی‌طلبی بروز می‌کند.

● **یعنی اپوزیسیون در آنجا گرایش تجزیه‌طلبانه پیدا می‌کند؟**
بله، اپوزیسیون در فارس‌ها هم وجود دارد؛ اما برای فارس بی‌معنی است که تجزیه‌طلب شود؛ اما آنها به این سمت گرایش پیدا می‌کنند؛ اما در مردمش چنین چیزی نیست. باوجوداین سال ۸۵ آن اتفاق افتاد. این چیزی که آقای نیتسانی کشیده بود، به‌ظاهر چندان مهم نبود؛ اما چرا آنجا این بازتاب به وجود می‌آید؟ به خاطر وجود یک «حس» اگر آن سوسک به فارسی حرف می‌زد، همه می‌خندیدند چون ما چنین حسی نداریم که بگویم «خواستند فارس‌ها را تحقیر کنند»؛ اما آنها چون چنین حسی دارند، چنین برداشتی هم می‌شود یا بر آن حس می‌کنند. این حس دلایلی دارد و هر دلیلی که دارد، باید آن را پیدا کرد. هرگزیم به بحث کردستان، بهترین کار اقلیم این بود که یک برنامه ۲۰ساله تعریف می‌کرد تا در عمل خودش را از عراق متمایز کند. اگر می‌توانست به یک پله کردستان عراق را بالا ببرد، عملاً دیگر نیازی به رفراندوم نبود و این اتفاق عملاً می‌افتاد.

● **چرا این نوع نگاه در سیاستمداران اقلیم وجود نداشت؟**

علت این اتفاق را توضیح دادم. پس‌زمینه سیاسی کردها با این خواست شکل گرفته است و این خواست عمومی است که دارد آنها را به جلو هل می‌دهد. اما اینکه وجود این خواست آنها را لزوماً به نتیجه می‌رساند، نه؛ یعنی اینها اصلاً به چیزی غیر از این نگاه نمی‌کنند...

ادامه در صفحه ۱۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

- احمدی‌نژاد خطاب به مسعود بارزانی: آمریکایی‌ها دوستان نزدیکشان را هم قربانی منافع خود می‌کنند
- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی: همه باید برای مهار امواج سونامی اقتصادی همکاری کنیم
- آیت‌الله نوری‌همدانی: طلاب و دانشجویان فاصله حوزه و دانشگاه را از میان بردارند
- حسین همدانی، مشاور عالی سپاه پاسداران: ایران در تسلیحات نظامی به خودکفایی کامل رسید
- حسینی، وزیر اقتصاد و دارایی: سنگ‌بنای طرح تحول اقتصادی سیاست‌های کلی در اصل ۴۴ قانون اساسی است
- لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در واکنش به تحریم‌های آمریکا علیه روسیه: به‌همکاری تسلیحاتی با ایران ادامه می‌دهیم
- مهدی صفری، معاون وزارت امور خارجه: کارهای غیرقانونی انگلیس در باغ قلهک در حال بررسی است

انتقد

- انتقادهای تازه مصطفی پورمحمدی از دولت؛ سازمان بازرسی کل کشور خواستار دخالت نهادهای نظارتی شد
- مظهروی، نماینده تهران، از بی‌نتیجه‌بودن جلسه محرم‌ناش با رئیس‌جمهور خبر داد: قانع نشدم، استیضاح می‌کنیم
- انتقادات امین‌زاده معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه دولت خاتمی به سیاست خارجی دولت نهم؛ هشدارهای متخصصان داخلی را نادیده گرفتند
- کروبی، دبیرکل حزب اعتماد ملی: نظرسنجی گروه‌های سیاسی را قبول ندارم. نظرسنجی باید در خیابان و در میان مردم انجام پذیرد نه اینکه آقایان در خانه‌های تیمی بنشینند و برای خود نظرسنجی کنند
- سیدمحمد خاتمی از اقتصاد صدقه‌ای به‌عنوان عاملی برای گسترش فقر و قطع امید از آینده انتقاد کرد

ایران

- احمدی‌نژاد در دیدار با بارزانی: هدف آمریکا جلوگیری از تشکیل عراقی قوی و عزتمند است
- کردان، وزیر کشور از قول مساعد وزیر کشور عربستان خبر داد: بر خورد قاطع با اهانت‌کنندگان به زائران ایرانی
- غلامعلی حدادعادل در حکمی از سوی احمدی‌نژاد به سمت رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی منصوب شد
- لاریجانی، رئیس مجلس: هیچ‌گاه همسایگانمان را تهدید نمی‌کنیم
- اسفندیار رحیم‌مشائی، معاون احمدی‌نژاد در سفر به نیویورک: امپراتوری آمریکا فرومی‌پاشد
- صفری، معاون اروپایی وزارت خارجه: سایه سیاست‌های خصمانه انگلیس بر روابط دوجانبه سنگینی می‌کند
- سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان: شایعه ترور، جنگ روانی دشمن صهیونیستی است

اقتب

- محمود احمدی‌نژاد در دیدار با مسعود بارزانی، رئیس منطقه کردستان عراق: وحدت میان گروه‌های عراقی زمینه بیکانگاری از بین می‌برد
- پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور: مردم باید اجرای وعده‌های مسئولان را مطالبه کنند
- علیزاده، معاون اداری، مالی قوه قضائیه: این تعداد پرونده قضائی برای کشور شرم‌آور است
- سیدمحمدی خامنه‌ای، رئیس شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان: نشست رئیس‌جمهور با اقتصاددانان راهگشا نبوده است
- سلامتی، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: اصلاح‌طلبان کمبود امکاناتشان را با حمایت مردم می‌پوشانند
- محمدمهدی شهنشاهی، عضو فراکسیون اقلیت مجلس: اگر احمدی‌نژاد طرح تحول را اجرا نکند قطعاً رأی نخواهد آورد
- اسماعیل کوثری، نماینده مجلس: مجلس به‌تنهایی نمی‌تواند در بهبود زندگی عمومی مردم موفق شود

جمهوری اسلامی

- آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در دیدار مسعود بارزانی: حضور اشغالگران در منطقه خطرناک است
- عباسپورتهران‌ئی فرد، رئیس کمیسیون آموزش مجلس: کسی حق تأخیر در اجرای قانون افزایش ظرفیت را ندارد
- لاریجانی، رئیس مجلس: هدف آمریکا از توافق‌نامه امنیتی تثبیت دولت درجه دو در عراق است
- لاوروف، وزیر خارجه روسیه: آمریکا با باخ‌خواهی هم نمی‌تواند مواضع روسیه در قبال ایران را تغییر دهد
- معاون وزیر خارجه روسیه در دیدار با سجادی، سفير ایران: عزم روسیه بر بهره‌برداری هرچه‌سریع‌تر از نیروگاه اتمی بوشهر استوار است
- خرامی، سفیر دانسم ایران در سازمان ملل، در نامه‌ای به دبیرکل این سازمان: انگلستان در برابر اقدامات تروزیستی گروهک منافقین مسئولیت دارد